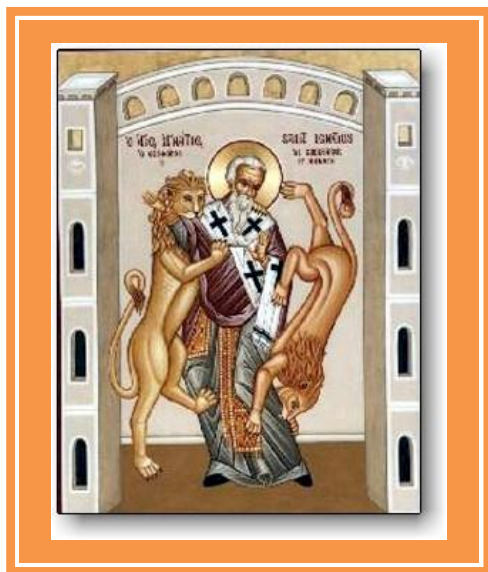


نامه های حضرت ایگناسیوس



جانشین پطرس رسول در انطاکیه

مقدمه

انطاکیه امروز شهری است در جنوب ترکیه که برکنار رودخانه اورونتس واقع شده است. این شهر در زمان قدیم اهمیت بسیاری داشت چون هم سومین شهر امپراطوری بعد از روم و اسکندریه بود، و هم پایتخت استان سوریه که آنقدر حاصلخیز بود که "انبار آذوقه امپراتور روم" نامیده شد. در عین حال در آن زمان انطاکیه بندری بسیار مهم نیز بود.

با در نظر گرفتن اهمیت این شهر درمیابیم که چرا پس از آمدن روح القدس، مسیحیان به زودی به این شهر آمده به شهادت دادن آغاز نمودند (اعمال ۱۹/۱-۲۶) و اینکه چرا پولس رسول این شهر را به عنوان پایگاه خود برگزید (اعمال ۲۳/۱۲، ۲۶/۱۴-۳۵، ۳۰/۱۵) و اینکه چرا خود پطرس رسول مسئولیت کلیسای آن شهر را قبل از آنکه به روم برود بر عهده داشت. ایگناسیوس که در زمان طرازان امپراطور روم (۹۸-۱۱۷م) می زیست و دومین جانشین پطرس به عنوان اسقف این شهر بود، شخصیت والا و پراهمیتی داشت. در این زمان فرمانروایان رومی بطور متناوب مسیحیان را تحت تعقیب و آزار قرار می دادند. در طی یکی از همین دورانه‌های آزاد بود که ایگناسیوس بخاطر ایمانش به مرگ محکوم شده، به روم برده می شد که در آنجا توسط حیوانات درنده شکنجه دیده، کشته شد.

هنگامی که او از سوریه به روم برده می شد از شهر از میر نخستین لنگرگاه خود، نامه هائی آکنده از حق شناسی خطاب به جماعت های مسیحیان شهرهای افسس، ماگنسیا و ترال که فرستادگانی به جهت استقبال از او بر سر راهش اعزام نموده بودند، نوشت. ایگناسیوس از مسیحیان روم درخواست می کند که هیچگونه اقدامی که منجر به رهائی وی از شهادت باشد به عمل نیاورند. او آنگاه راهش را به سمت تروآس ادامه می دهد. چون ایگناسیوس قبل از سوار شدن بر کشتی به مقصد نئاپولیس اطلاع حاصل می کند که دوران جفا و شکنجه مسیحیان در انطاکیه به سر رسیده است، پس نامه هایی خطاب به مسیحیان فیلادلفیه و از میر و به پلی کارپ اسقف از میر، نوشته درخواست می نماید که نمایندگانی جهت ادای تبریک صلح و آرامش باز یافته به قلمرو اسقفیش (انطاکیه) که دائماً افکار وی را به خود مشغول می ساخت، اعزام نمایند. نامه های ایگناسیوس در نوشته های مسیحی همانند گوهری گرانبها بوده و یکی از مهمترین مدارک تاریخ قدیم کلیسا را تشکیل می دهد. ایگناسیوس چهره اسقفی با شکوه و پر افتخاری را دارد و شخصیتی است با تجربه و پختگی معنوی و روحی بسیار، و بطوریکه در نامه اش به جماعت مسیحیان شهر از میر پیداست، هیچ چیز از نگاه نافذ و تیزبین او به دور نمی ماند. شخصیت پر قدرت او در سبک نگارش نامه هایش کاملاً آشکار می باشد. به درستی که او چه

انسانیت والا و چه قلب با شکوهی داشت. او در نامه هائی با معنی و پرفهم ولی در عین حال ساده و بی پیرایه عاری از تکلف گوئی، مردی استثنائی، پر حرارت و پر شور، شجاع و در عین حال متواضع نمایان می گردد. او همانند پولس رسول از عطیه ای فطری برخوردار است که اثر عمیقی در خوانندگان خود بر جای می گذارد. تعلیمی قاطع و استوار و کاملاً واضح دارد که از افکار یوحنا رسول ریشه می گیرد و بیانگر تجربه عرفانی و تقدس او می باشد. ایگناسیوس بیشتر به شرح و بسط نکات اساسی ایمان مسیحی می پردازد تا به بیان اندرزهای اخلاقی. به علاوه ایگناسیوس و کلمنت اسقف روم، نخستین کسانی بودند که ایمان مسیحی را در فرهنگ و تمدن یونانی بیان کردند، چون تا به آن زمان، مسیحیان سامی نژاد نظیر پولس بودند که مسیحیت را نه به زبان یونانی، اما با طرز فکر سامیها بیان می کردند پس توسط این دو اسقف، کلیسا واقعاً در قلب تمدن امپراطوری روم آغاز به ریشه دوانیدن نمود.

نامه های ایگناسیوس انباشته از اطلاعاتی فراوان درباره کلیسای اولیه است. تعلیمات ایگناسیوس در پیرامون الوهیت و انسانیت مسیح، بی نهایت روشن و دقیق است و از آن در مقابل تمام کسانی که سعی می کنند این واقعیت را کوچک شمارند به دفاع بر می خیزد. او مسیحیان را از کسانی که میل به بازگشت به ظواهر شریعت یهود را دارند بر حذر می دارد.

ایگناسیوس قدیس اولین کسی است که اجتماع مسیحیان را به اسم کلیسا مشخص می نماید. او دیگر در نامه هایش بر این امر که جماعت مسیحیان در انتظار ظهور سریع و پر جلال مسیح می باشند تأکید نمی کند، بلکه بر آزاد شدن کامل تعمیدشدگان از راه شهید شدن در راه مسیح که منجر به اتحاد نهائی با او می گردد، تأکید می نماید.

ایگناسیوس یک اسقف به تمام معناست. او تمام صفاتی را که می توان از یک اسقف انتظار داشت دارا می باشد، چه از جنبه اقتدار چه از جنبه خدمت به انسانها و چه به عنوان یک سرمشق کامل، از همان زمان در آسیای صغیر در ارتباط با کلیسا شاهد چند واقعیت هستیم:

در جماعت های مسیحیان، اقتدار رهبری یعنی مسئولیت اسقفی بر عهده یک نفر بود. گروه پیرامون کشیشان به گرد اسقف، شورای مشورتی او را تشکیل می دادند. شماسان با توزیع مایحتاج عمومی، انجام خدمات اجتماعی را بر عهده داشتند.

هر آئینی اعم از مراسم تعمید و یا آئین شکر گذاری (عشاء ربانی) می بایست در اتحاد با اسقف انجام گیرد.

نامه به اهالی شهر ماگنسیا، در مورد تعیین روز یکشنبه به عنوان یادبود پیروزی قیام مسیح گواهی می دهد.

ایگناسیوس برای اولین بار در نامه به مسیحیان شهر از میر، کوشش می نماید که راز ازدواج مسیحی را در زندگی جماعت ایمانداران وارد نماید. اگر کلیسای روم از تقدم واقعی در بین تمام جماعت های مسیحیان برخوردار نمی بود، شیوه خطاب و لحن نامه وی به رومیان، به زحمت قابل توجیه می بود. رسالات ایگناسیوس قدیس از مهمترین و عالیترین نوشته های ایمان مسیحی می باشد.

نامه ایگناسیوس به افسسیان

درو

ایگناسیوس ملقب به تئوفورس، به کلیسایی که به قدرت نام خدای پدر سرشار از تمام برکات بوده و از قرن ها پیش جهت جلال ابدی و اتحاد ناگسستی مقدر گردیده است، به کلیسایی که در رنج و عذاب واقعی نجات دهنده ما و به اراده پدر و عیسیای مسیح، خدای ما برگزیده شده، به کلیسای افسس در آسیا که شایستگی لقب سعادتمند را دارد، بر آن کلیسا، در عیسیای مسیح با شادی مقدس درود باد!

محبت مسیحیان شهر افسس

من نام محبوب شما را در خدا پذیرفته ام، نامی که در طبیعت پارسای شما، ایمان شما و محبتتان در عیسیای مسیح، نجات دهنده ما به دست آورده اید، شما "اقتدا" کنندگان خدا و احیاء شدگان در خون او با عمل نیکویی که موافق سرشت شما است به تمامی کار خود را انجام داده اید.

در واقع شما اطلاع حاصل کردید که من در زیر بار زنجیرها به خاطر آن نام (مسیح) و این امید که صلاح تمامی ما در آن است، از سوریه با این آرزو آمده ام که به یاری دعاهای شما سعادت مقابله با حیوانات درنده در روم نصیبم گردد، سعادت که مرا شاگرد واقعی عیسیای مسیح می گرداند. پس شما به دیدار من شتافتید.

چون من تمامی گروه شما را به نام خدا در شخص "اونزیم"، این انسانی که محبتش غیر قابل توصیف است و بر حسب جسم اسقف شما می باشد، به حضور پذیرفتم آرزو دارم که او را در عیسیای مسیح محبت نموده و همه مانند او باشید! سپاس خدایی را که یک چنین اسقفی به شما عطا کرده است! به علاوه شایستگی آن را نیز دارید.

اما درباره "بوروس" که در خدمت، مرا همراهی می کند و از طرف خدا شماس و خدمتگزار شما و در کلیه امور سرشار از تمام برکات است، مایلم او را نزد خود نگاه دارم، که در آن صورت وسیله احترام شما و اسقفتان را فراهم می سازد. اما "کروکوس" این شخص لایق خدا و شایسته شما که او را به عنوان نمونه ای از محبت خود نزد من فرستاده اید، او در تمام رنج ها مایه دلداری و تسلی من بوده است. باشد که او مانند "اونزیم"، "بوروس"، "اوپلوس" و "فروتون" همان تسلی ها را از پدر عیسیای مسیح دریافت نماید. در آنها همه شما را از دید محبت مشاهده نمودم.

دل می خواست چنانچه شایسته آن باشم، شادی خود را در همبستگی با شما یابم. شما باید به طرق مختلف در تجلیل عیسی مسیح که خود، شما را جلال داده است بکوشید تا در اتحادی واحد متحد شده و سر به فرمان اسقف و "اجتماع پیران" نهاده کاملاً تقدیس گردید.

تشویق به اتحاد و اطاعت از اسقف

من هیچ دستوری به شما نمی دهم چنانکه گویی شخص مهمی باشم. درست است که من به خاطر نام مسیح به زنجیر کشیده شده ام اما هنوز در عیسای مسیح کامل نگردیده ام. من در مکتب او نوآموزی بیش نیستم و روی سخنم با شما به عنوان هم شاگردانم می باشد. این من هستم که نیاز دارم شما مرا توسط ایمان و تشویق و صبر و شکیبایی مسح کنید.

از آنجایی که محبت مانع از آن می شود که در مورد شما سکوت نمایم، وقت را مغتنم شمرده شما را نصیحت می کنم که همواره هماهنگ با اندیشه خدا گام بر دارید. چنانکه عیسای مسیح که حیات جداناپذیر ماست خود اندیشه پدر می باشد، این چنین اسقفها نیز که تا انقضای عالم مستقر شده اند، در اندیشه عیسای مسیح می باشند.

بنابراین شما باید همواره با اسقف خود هم اندیشه باشید و این همان کاری است که انجام می دهید. اجتماع محترم پیران شما، که به راستی شایسته خداوند هستند، آنچنان با اسقف متحدند که گویی تارهایی متصل به چنگ می باشند، به این ترتیب از اتفاق احساسات و هماهنگی محبت شما آوای ستایش به سوی عیسای مسیح بر می خیزد.

هر یک از شما با این دسته هم سرایان هم صدا شوید، آنگاه در هماهنگی، توافق و اتحاد خویش با خدا هماهنگ شده و از طریق مسیح یک صدا گشته، ستایش پدر را خواهید سرایید و آوای شما را شنیده با توجه به کارهای نیکتان، شما را به عنوان اعضای بدن پسر خود خواهد شناخت. بنابراین به نفع شماست که این اتحاد ناگسستی را حفظ کنید تا از این راه همیشه در خود خدا سهیم باشید.

اگر من که در این مدت کوتاه با اسقف شما چنین صمیمیتی پیدا کرده ام که جنبه روحانی آن بیش از رابطه دو انسان است، پس چقدر سعادت شما بیشتر است که با وی در یگانگی نزدیکی به سر می برید، همانگونه که کلیسا با عیسای مسیح و عیسای مسیح با پدرش متحدند، تا هماهنگی در اتحاد متفق شوند.

مبادا کسی گمراه گردد، زیرا که فاصله گرفتن از قربانگاه به معنای بی بهره ساختن خود از نان خداست. اگر دعای دو فرد متحد دارای چنین نیرویی است، پس چقدر بیشتر است قدرت دعای اسقف با تمام کلیسا. کسی که در اجتماع مسیحیان حضور نمی یابد، عملی تکرارآمیز انجام می دهد و شخصاً خود را محکوم می نماید، زیرا چنین نوشته شده است: "خدا در مقابل متکبران ایستادگی می کند." پس کوشا باشیم در مقابل اسقف ایستادگی نکنیم تا مطیع اراده خدا گردیم. اسقف هر قدر بیشتر سکوت

اختیار کند می بایست از احترام بیشتری برخوردار گردد چون هر مباحثی که از سوی ارباب برای اداره کردن خانه او مأمور می شود، باید به اندازه فرستنده خود محترم باشد. پس روشن است که ما باید اسقف را همچون خود خداوند بنگریم. در هر صورت "اوزیم" نظم و ترتیب فوق العاده روحانی شما را در خدا تمجید می کند. او می گوید که حقیقت، پایه زندگی همه شماست. شما هیچ الحادی را به نزد خود راه نمی دهید، چون به هیچ کس توجه نمی کنید مگر آنکس که درباره عیسی به راستی با شما سخن می گوید.

گریز از الحاد و وفاداری به مسیح

چه بسا، ریاکاران رذلی وجود داشته باشند که نام خدا را در همه جا بر زبان می آورند، اما اعمالی مغایر و ناشایست نسبت به خدا انجام می دهند. از این اشخاص همانند حیوانات درنده دوری کنید. این ها همانند سگان هار هستند از آنها اجتناب کنید چون معالجه زخم آنها دشوار است.

فقط یک طبیعت است، هم جسمانی هم روحانی، مولود و نامولود، آمده در تن، خدا، در مرگ و حیات راستین، زاده شده از مریم و زاده شده از خدا، نخست تألم پذیر و اکنون تألم پذیر، عیسی مسیح خداوند ما.

هرگز اجازه ندهید کسی شما را فریب دهد چون کاملاً از آن خدا هستید. هرگز منازعه ای که سبب اغتشاش و آشفتگی در بین شما بشود در نگیرد، آن وقت است که شما حقیقتاً بر حسب اراده خدا زندگی می کنید. ای افسسیان، من قربانی کفارهای شما هستم و خود را به عنوان قربانی، تقدیم کلیسای شما می کنم که در تمام اعصار مشهور است.

انسان های نفسانی قادر به انجام اعمال روحانی نیستند و انسان های روحانی نمی توانند کارهای نفسانی را انجام دهند، آن چنان که از ایمان نیست که اعمال بی ایمانی سر میزند و نه بی ایمانی می تواند کارهای ایمان را انجام دهد. اما حتی تمام اعمالی که شما در جسم انجام می دهید، روحانی هستند چون در عیسی مسیح است که شما همه امور را به جا می آورید.

اطلاع یافتن اشخاصی معتقد به یک عقیده مضّر که از خارج آمده بودند از افسس عبور کردند، ولی واقف شما نگذاشتید که آنها بذر عقیده خود را در بین شما بکارند. شما گوشه‌ایان را بستید تا دانه های بدی را که آنها می افشانند، نپذیرید. زیرا شما سنگ های معبد پدر هستید، برای عمارتی که خدای پدر می سازد آماده شده اید و توسط وسیله بالابرنده ای که صلیب عیسی مسیح است و با استفاده از روح القدس به عنوان طناب آن، تا رأس بنا بالا برده شده اید. ایمان شماست که شما را بر می افرازد محبت شما راهی است که شما را به سوی خدا بالا می برد. همچنین همه شما همسفرید حامل خدای خود و معبد او و حامل مسیح و اشعیاء مقدس بوده، زینتی

به جزء فرامین عیسی مسیح بر خود ندارید. من در شادی و شمع شما شریک هستم چون لایق آن بودم که از طریق نامه، با شما صحبت کنم و از اینکه در زندگی جدید خود فقط نسبت به خدای واحد محبت می ورزید، با شما شادی می نمایم.

سر مشق همه خصایل نیک باشید

برای دیگران "همیشه دعا کنید" چون امید می رود که آنها نیز از راه توبه به خدا برسند. پس بگذارید که ایشان حداقل از راه اعمال خود شاگردان شما گردند. در مقابل خشم و عصبانیت آنها ملایمت کنید، در مقابل خودستایی آنها فروتنی از خود نشان دهید، به لعن و نفرین های آنها با دعا پاسخ گوئید، در مقابل عقاید نادرست آنان "در ایمان استوار باشید" و در برابر خصلت خشن آنها آرامش نشان داده و از آنها اقتدا نکنید. با مهربانی خود برادران ایشان باشیم و کوشش کنیم که به خداوند اقتدا نماییم. در واقع چه کسی بیش از او متحمل بی عدالتی شده خوار و مطرود گردید؟ با چنین رفتاری هیچ علف هرزه ای در میان شما نمی روید، بلکه با پاکی نام و اعتدال، چه جسماً و چه روحاً در عیسای مسیح می نماید.

جویای مسیح، سرچشمه حیات و اتحاد باشید.

اینک آخرین مرحله زمان فرا رسیده است. از این پس شرم داشته باشیم و بتزسیم که مبدا تحمل خدا به محکومیت ما تبدیل گردد. در واقع ما باید از دو راه، یکی را انتخاب کنیم:

یا از خشم آینده هراسان باشیم یا اینکه فیض کنونی را دوست بداریم. فقط چنانچه در مسیح یافت شویم به حیات واقعی داخل خواهیم شد. جز در او، هیچ چیز برای شما ارزش نداشته باشد، در اوست که من زنجیرهایم را که مرواریدهای روحانی من هستند به دنبال خود می کشم. باشد که از طریق آنها و دعاهاى خود جایی را نیز به من اختصاص دهید تا من هم به توبه خود در میراث مسیحیان افسس که به نیروی عیسای مسیح همیشه قلباً با رسولان در اتحاد بوده اند، سهمی داشته باشم.

من آگاه هستم که چه کسی می باشم و خطاب به چه کسانی می نویسم: من یک محکوم و شما رحمت یافته گانید. من در معرض خطر هستم و شما استوار هستید، شما راه او برای آنهایی هستید که از راه شهادت به سوی خدا می روند، شما به سوی رازها گام برداشته اید، البته توسط پولس، آن قدیسی که بر او شهادت داده شده است و شایسته آن می باشد که سعادت مند نامیده شود. ای کاش هنگامی که به خدا ملحق می شوم، در جای پای وی یافت شوم. او در تمام رساله هایش در عیسای مسیح شما را به یاد می آورد. پس مراقب باشید تا برای آیین شکرگزاری و حمد و ستایش، گردهمایی های بیشتری تشکیل دهید زیرا به اجتماعات پی در پی خود، قوای شیطانی را نابود می کنید و قدرت مخرب آن در مقابل هماهنگی ایمان شما از بین

می رود. چه چیز بهتر از صلح می باشد؟ صلحی که تمام جنگهایی را که قوای آسمانی و زمینی علیه ما انجام می دهند، از میان می برد.

ایمان و محبت، صفت مشخصه شاگردان راستین

چنانچه شما به عیسای مسیح ایمان و محبت کامل داشته باشید، هیچ یک از این حقایق بر شما پنهان نمی ماند. این دو فضیلت یعنی ایمان و محبت، آغاز و پایان زندگی هستند، یعنی ایمان آغاز زندگی و محبت، کمال آن می باشد. پیوند این دو، خود خداست. تمام فضیلت‌های دیگر که به منظور هدایت انسان به سوی کمال می باشند، به دنبال این دو قرار گرفته اند. ابراز ایمان با گناه سازگار نیست، همانگونه که محبت هم با نفرت در تناقض است. "درخت از میوه اش شناخته می شود"، همینطور آنانی که تعلق خود را به مسیح ابراز می دارند، از روی اعمال خود شناخته می شوند، زیرا موضوع صرفاً ابراز ایمان نیست، بلکه باید واقعاً آن را با پشتکار و جدیت تا به آخر به کار بندیم.

از فریب الحاد بر حذر باشید

بهتر آن است که باشیم بی آنکه بگوییم، تا اینکه حرف بزنیم بی آنکه باشیم. تعلیم دادن خوب است به شرط آنکه کسی که سخن می گوید خود نیز عمل کند. بنابراین ما تنها یک استاد داریم و آن کسی است که "گفت و همه چیز شد"، حتی اعمالی را هم که او در سکوت انجام داده است شایسته پدرش می باشند. کسی که حقیقتاً کلام عیسی را دارد قادر است سکوت وی را نیز بشنود تا به کمال رسیده، با کلام خود عمل کند و با سکوتش خود را بشناساند. چیزی از نظر خداوند دور نمی ماند، حتی اسرار ما نیز در دست او است بنابراین تمام کارهای خود را با این فکر که او در ما ساکن است انجام دهیم. بدین ترتیب ما معبد او خواهیم بود و او خود، خدای ساکن در ما. او در حقیقت همچنین است و در نظر ما همچنین آشکار خواهد شد چنانچه به طور حقیقی به او مهر ورزیم.

"ای برادران فریب خوریم" چون آنهایی که موجب فساد خانواده ها هستند، "وارث ملکوت خدا نخواهند شد." اگر مجازات کسانی که مرتکب چنین گناه نفسانی شده اند مرگ بوده است، پس مجازات کسی که با عقاید مضر خود ایمان الهی را «یعنی ایمانی که عیسی مسیح به خاطر آن مصلوب گردید» به تباهی می کشاند، چه خواهد بود؟ شخص آلوده به گناهی چنین مهم، به آتش ابدی محکوم خواهد شد، هم او و هم کسانی که به حرف او گوش فرا می دهند. اگر خداوند اجازه داد تا سرش را به روغن تدهین نمایند به خاطر آن بود که کلیسای خویش را به فناپذیری معطر سازد. پس اجازه ندهید که با روغن بد بوی حکمران این جهان مسح گردد، تا مبادا شما را از

حیاتی که در انتظاران می باشد دور کرده، به اسارت کشاند. چرا با پذیرفتن شناخت خدا که عیسای مسیح می باشد، همه ما حکیم نگردیم؟ چرا با عدم شناخت موهبتی که خداوند واقعاً برای ما فرستاده است، دیوانه وار به سوی هلاکت رویم؟

مشیت الهی در مورد آدم نوین

روح من قربانی صلیب است، صلیبی که برای بی ایمانان لغزش، اما برای ما نجات و زندگی ابدی است، "کجاست حکیم؟ کجاست مباحث؟" کجاست تقاضای آنانی که دانا نامیده می شوند؟ خدای ما عیسای مسیح بر حسب مشیت الهی در رحم مریم حمل شد، او "از نسل داوود" و از روح القدس متولد گشته، تعمید یافت تا آب را توسط رنج و عذابش پاک سازد.

حکمران این جهان از بکارت مریم و تولد و همچنین مرگ خداوند، این سه راز درخشان که با سکوت خدا تحقق پذیرفت، جاهل بود.

اگر به خاطر دعاها شما عیسای مسیح مرا لایق آن گرداند و اگر اراده خدا نیز بر این باشد، در نامه کوتاه بعدی خود که می خواهم به شما بنویسم، مشیت الهی را درباره انسان نوین، عیسای مسیح، که بیان آن را آغاز کردم بیشتر توضیح خواهم داد. این مشیت عبارت است از ایمان آوردن به او و محبت داشتن به او و رنج و رستخیز او ... درباره این راز خواهم نوشت. مخصوصاً اگر خداوند مرا از این امور آگاه سازد که شما هم به طور فردی و هم گروهی در فیضی که از نام او می آید و در ایمانی واحد یکی باشید، و همچنین در عیسای مسیح که بر حسب جسم از نسل داوود، هم پسر انسان و هم پسر خدا می باشد، یکی باشید تا در هماهنگی عاری از نفاق، از اسقف و جماعت پیران اطاعت نموده همه در پاره کردن یک نان شرکت نمایید، نانی که جهت نامیرندگی و پادزهر جهت حفظ ما از مرگ و تأمین زندگی ابدی در عیسای مسیح می باشد.

درود آخر و دعا برای کلیسای سوریه

من برای شما و برای کسانیکه شما آنها را برای جلال خدا در شهر از میر اعزام داشته اید فدیة هستم. از همین شهر است که با سپاسگزاری از خدا و تشکر از "پلیکارپ" این نامه را برای شما مینویسم. همانطور که عیسی مسیح به یاد شماست، شما هم بیاد من باشید.

برای کلیسای سوریه که مرا از آن جدا ساختند تا با زنجیر به رم ببرند نیز دعا کنید، چون گرچه من حقیرترین ایماندار انطاکیه هستم خدا مرا شایسته آن دید که برای جلال خود انتخابم نماید.

شما را در خدای پدر و عیسی مسیح که امید ماست درود میگویم.

نامه ایگناسیوس به اهالی شهر ماگنسیا

درو

ایگناسیوس ملقب به تنوفورس به کلیسای شهر ماگنسیا که از فیض خدای پدر در عیسای منجی ما برکت یافته و به نام وی به این کلیسا درود می فرستیم و به نام خدای پدر و عیسای مسیح برایش آرزوی شادی کامل را دارم.

محبت و نظم و هماهنگی جماعت ایمانداران در اطاعت از اسقف

با آگاهی از اینکه محبت شما بر طبق اراده الهی نظم کامل یافته در کمال شادمانی تصمیم گرفتم چند کلمه ای در ایمان به عیسای مسیح برای شما بنویسم. من که مفتخر به نامی پر از جلال الهی زنجیر بر دست در وصف کلیساها می سرایم و برای آنها چنین حالت از اتحاد را آرزو می کنم: اتحاد با جسم و روح عیسای مسیح که حیات جاودانی ماست، اتحاد در ایمان و محبت، محبتی که هیچ چیز بر آن ارجع نیست و بالاتر از همه اتحاد با عیسی و پدر که در آن در مقابل تهدید و حملات حکمران این جهان استوار گردیده و در رهائی از این تهدیدات به خدا ملحق خواهیم گشت.

افتخار دارم که همه شما را در شخص اسقف شما "داماس" که لایق خدا است و پیران شایسته ای چون "باسوس"، "آپولونیوس" و همچنین شماس "زوبتون" که شریک خدمات من است، ملاقات نمایم. ای کاش که بتوانم از حضور او بهره مند شوم. این شماس چنان مطیع اسقف است که گویی سر به اطاعت فیض خداوندی نهاده و چنان مطیع جماعت پیران است، که گویی مطیع قانون عیسی مسیح می باشد.

احترام نسبت به اسقف

شایسته نیست که سن کم اسقف خود را مورد سوء استفاده قرار دهید، بلکه به خاطر اقتدار خدای پدر، او را کاملاً مورد احترام قرار دهید. من می دانم که رفتار پیران مقدس شما به همین منوال است و آنها از جوانی ظاهری وی به هیچ وجه سوء استفاده نکرده اند، بلکه با الهام گرفتن از حکمت خدا اطاعت وی را به جان پذیرفته اند، گرچه اطاعت آنها نه از وی بلکه از پدر عیسای مسیح یعنی اسقف تمامی عالم می باشد.

الف) بنابراین به جهت احترام به خدایی که ما را دوست دارد باید اطاعت ما از هرگونه تظاهر و ریا، بری باشد. زیرا با فریب دادن اسقفی که می بینیم سعی در فریب اسقف نامریی می نماییم. در اینگونه موارد انسان با نفس سروکار ندارد بلکه با خدایی که از همه امور نهانی آگاه است.

ب) مسیحی باشید نه تنها به اسم بلکه در عمل، در واقع بعضی درباره مقام اسقفی سخن می گویند اما همه کارها را جدا از وی انجام می دهند. برای من واضح است که اینگونه اشخاص وجدان درستی ندارند زیرا اجتماعات آنها فاقد اعتبار و بر خلاف حکم خداوند است.

ج) هر چیز پایانی دارد. مرگ و زندگی در مقابل همه ما به طور یکسان قرار دارد و هر یک از ما سرانجام "به جای مناسب خود" خواهیم رفت (اعمال ۲۵/۱).

د) به اصطلاح، دو نوع سکه وجود دارد: سکه خدا و سکه جهان که بر هر کدام تصویری مخصوص حک شده است. بی ایمانان تصویر این جهان را با خود حمل می کنند ولی ایمانداران در محبت از طریق عیسای مسیح همان مهر تصویر خدای پدر را با خود دارند. اگر ما آزادانه انتخاب نکنیم که به فیض او بمیریم تا در رنج و آزاری که او متحمل شده بود سهیم شویم، حیات او در ما نمی باشد.

ه) در ایمان است که می توانیم در اشخاصی که در آغاز نامه از آنها نام بردم تمام جماعت شما را بخوبی ببینیم و محبت نماییم. بنابراین از شما درخواست دارم که تلاش نمایید هر کاری را در هماهنگی مقدس و الهی و تحت ریاست اسقف که نایب خداست و پیران که نایب شورای مشورتی رسولان می باشند و شماسان که مورد علاقه مخصوص من هستند انجام دهید، شماسانی که خدمت عیسای مسیح را بر عهده دارند، مسیحی که پیش از زمان در نزد پدر بوده و در این زمان آخر خود را مکشوف ساخته است.

پس با این اتحاد فکری که از خدا می آید یکدیگر را احترام بگذارید. نباید بر حسب معیارهای این جهان به هموعان خود بنگرید بلکه نسبت به همدیگر محبتی پایدار بر حسب عیسای مسیح داشته باشید. در قلب شما چیزی نباشد که موجب تفرقه در میان شما گردد بلکه با اسقف و رؤسای خود متحد شوید تا تصویر و نمونه ای از جاودانگی و فناپذیری گردید.

همانند عیسای خداوند که هیچ کاری را چه خود و چه به دست رسولانش جدا از پدری که با او یکی می باشد انجام نداده است، شما نیز جدا از اسقف و پیران خود کاری انجام ندهید. کوشش بیهوده ای است کاری را که شخصاً انجام داده اید، تحسین آمیز جلوه دهید. بلکه هر کاری را با مشارکت دیگران انجام دهید یعنی تنها یک دعا، یک استغاثه، یک روح و یک امید در محبت. تمام این ها عیسای مسیح است و بالاتر از او هیچ نیست.

پس شما همچنان در یگانه معبد خدا یا مانند حول و حوش یک قربانگاه، در گرداگرد آن یگانه عیسای مسیح با شتاب جمع شوید زیرا تنها اوست که در پدر یکتا واحد بوده و از او آمده و به سوی او روان گشته است.

از یهودی گرایان بر حذر باشید

نگذارید شما را با عقاید غریب و افسانه های کهنه که به هیچ دردی نمی خورند، بفریبند چون اگر امروز هم از قوانین تورات بر حسب شریعت زندگی کنیم مثل این است که اقرار به عدم دریافت فیض خداوند کرده ایم.

الف) زیرا انبیاء الهی، خود بر حسب عیسی مسیح زندگی کرده اند و به همین دلیل مورد تعقیب و آزار قرار گرفته اند. فیض عیسی مسیح به آنها الهام بخشید تا بی ایمانان را به این امر متقاعد سازند که تنها یک خدا وجود دارد، خدایی که توسط پسر خود، عیسی مسیح ظاهر گردید که کلمه خداست که از سکوت به درآمده است و مجری با وفای تمامی اراده فرستنده اش می باشد.

ب) آنهایی که تحت سلطه آیین کهن زندگی می کردند، امروز امید جدیدی را به جان و دل پذیرفته، به جای سبت، روز خداوند (یکشنبه) را یعنی روزی که ستاره زندگی ما با فیض خداوند و مرگش طلوع کرده است، حرمت می دارند. این راز که از سوی عده ای نفی می گردد، سرچشمه ایمان ما و در نتیجه صبر و تحمل ما در درد و رنج می باشد، که توسط آن، ما به چهره شاگردان حقیقی عیسی مسیح، یگانه سرور خود، در می آییم.

ج) بنابراین چگونه می توانیم بدون او زندگی کنیم، حال آنکه خود انبیاء که در روح، شاگردان وی بوده اند، آمدن وی را به عنوان سرور خود انتظار می کشیدند؟ به همین دلیل کسی که امید راستین آنها بود در روز آمدن خود، ایشان را از میان مردگان رستاخیز داد.

پس در مقابل نیکویی وی بی تفاوت نمانیم زیرا اگر او بر حسب اعمال ما رفتار نماید، دیگر وجود نداشتیم. پس خود را شاگرد او سازیم و فرا گیریم که چگونه مسیحی وار زندگی کنیم. بنابراین هر که به مسیحی بودن خود عنوان دیگری بیافزاید، از آن خدا نمی باشد.

پس خمیر مایه بد و کهنه و ترشیده را به دور بیندازید تا به خمیر مایه جدیدی که عیسای مسیح است تبدیل شوید، تا او نمک زندگی شما باشد و کسی در میان شما فاسد نگردد زیرا با بوی خویش مورد داوری قرار خواهید گرفت.

ابلهانه است که نام عیسی مسیح را بر لب داشته باشیم و در ضمن مانند یهودیان عمل نماییم! زیرا مسیحیت نبود که به یهودیت ایمان آورده بلکه یهودیت به مسیحیت، که در آن هر زبانی که ایمان خود را به خدا اقرار می نماید، متحد می شود.

ای عزیزان من، اگر با شما چنین صحبت می کنم نه به این دلیل است که می پندارم در بین شما کسانی هستند که گمراه شده اند بلکه در حالی که من کوچکتر از همه شما هستم، مایلم که شما از افتادن در دام عقاید پوچ بر حذر بوده نسبت به تولد منجی ما و رنج و عذاب و رستاخیز او که در زمان حکمرانی پنتیوس پپلاطس روی داد،

ایمان راسخ داشته باشید. این وقایع توسط عیسیای مسیح که امید ماست حقیقتاً و واقعاً تحقق یافت و باشد که هیچ یک از شما هرگز از این حقایق دور نگردید.

در ایمان و اتحاد زندگی کنید

باشد تا چنانچه شایسته باشم، شما در هر امری موجب شادمانی من باشید. چون گرچه من در بند زنجیر هستم و شما آزاد می باشید، معهذا لایق آن نیستم که با هیچ یک از شما مقایسه شوم. می دانم که بر خود مغرور نمی شوید زیرا عیسیای مسیح را در خود دارید و علاوه بر آن زمانی که شما را ستایش می کنم، می دانم که باعث شرمساری شما می شوم، همچنان که مکتوب است: "شخص عادل خود متهم کننده خویش است." (امثال ۱۸: ۱۷)

الف) پس مراقب باشید که در تعالیم خداوند و رسولان استوار بمانید تا هرچه می کنید نیک انجام باشد، در جسم و در روح، در ایمان و در محبت، در پسر و پدر و روح القدس، در آغاز و در پایان، به همراه اسقف بس شایسته خود و تاج روحانی جماعت پیرانتان و با شما شماسان مقدستان (مزامیر ۳: ۱).

ب) نسبت به اسقف و به یکدیگر مطیع باشید (افسیان ۵: ۲۱). همانطور که عیسیای مسیح جسم گرفته، نسبت به پدر خود و نیز رسولان نسبت به مسیح و پدر و روح القدس مطیع بوده اند، تا به این ترتیب اتحاد شما هم باطنی و هم بیرونی باشد.

درود آخرین و دعوت به دعا برای کلیسای سوریه

از آنجایی که می دانم سرشار از خدا هستید به نصیحت کوتاهی خطاب به شما اکتفا کردم. در دعاهای خود از من یاد کنید تا بتوانم به خدا برسم. همچنین از کلیسای سوریه که من فقط یک عضو نالایق آن هستم، یاد کنید. در واقع من به اتحاد مقدس شما در دعاها و همچنین محبتتان احتیاج دارم تا خدا از طریق کلیسای شما بر کلیسای سوریه شبم فیض الهی را بیفشاند.

الف) افسسیانی که در از میر اقامت دارند به شما درود می فرستم، این نامه را از آنجا برایتان می فرستم. آنها به این شهر آمده اند تا (همانند شما) خدا را تجلیل نمایند. ایشان همانند شما به اتفاق "پلی کارپ" اسقف از میر به من نیروی روحانی بخشیدند، کلیساهای دیگر نیز برای جلال عیسیای مسیح به شما درود می فرستند. همگی شما را به خدا سپرده، اتحاد مقدس و استواری روحی ناگسستگی را که عیسیای مسیح است، برای شما آرزو می کنم.

نامه ایگناسیوس به اهالی شهر ترال

درد

ایگناسیوس ملقب به تنفورس، به آن بانوی محبوب خدا، خدایی که پدر عیسی مسیح است، به کلیسای مقدس شهر ترال در آسیا، به کلیسایی که از راه رنج و عذاب عیسی مسیح، سرچشمه آن رستاخیز که ما را با او متحد خواهد ساخت، در صلح و صفای جسمانی و روحانی بسر می برد، به آن بانو در کمال فیض الهی به شیوه خاص رسولان درود می فرستم و کامیابی آنرا آرزومندم.

تمجید از مسیحیان "ترال"

به راست دلی و صبر لایزال شما که از فضیلت های ذاتی و نه اکتسابی شماست، واقفم. "پولیپوس"، اسقف شما مرا از این امر آگاه ساخته است. او به خواست خدا و عیسی مسیح به از میر آمده تا در شادی برخاسته از زنجیرهایی که به خاطر عیسی مسیح حملشان می کنم، با من سهیم شود. تمام کلیسای شما را در شخص او می بینم. پس از آنکه گواهی حسن نیت شما را از او دریافت داشتم، خداوند را تجلیل کردم چون به تحقیق دریافتم که شما درست همانطوری که به من گفته اند مقلد خدا می باشید (افسیان ۵: ۱).

اطاعت از اسقف

زیرا وقتی از اسقف خود همانند عیسی مسیح اطاعت می کنید، این به وضوح نشان می دهد که رفتار شما ملهم از این دنیا نیست، بلکه ملهم از عیسی مسیح است که برای ما جان سپرد تا با ایمان به مرگ او شما از مرگ رهایی یابید. الف) بنابراین لازم است همانگونه که عادت شماست به هیچ کاری اقدام نکنید بدون در تماس گذاشتن اسقف خودتان و از جماعت پیران نیز همانند رسولان عیسی مسیح که امید ما است و در او حیات خواهیم یافت، اطاعت کنید.

ب) همچنین لازم است شما آنکه در خدمت رازهای عیسی مسیح می باشید، در هر امری همه را خشنود سازند چون آنها، تنها توزیع کننده مواد خوراکی و آشامیدنی نیستند، بلکه خدمتگزاران کلیسای عیسی مسیح می باشند، آنها باید از هر امری که موجب سرزنش گردد، همانند آتش دوری کنند.

ج) همینطور شما نیز می بایست شما آنکه مانند خود عیسی مسیح و اسقف را همانند تصویر پدر و پیران کلیسا را همچون مجمع رسولان، گرامی بدارید چون بدون آنها کلیسایی وجود ندارد.

د) من معتقد هستم که عقیده و رفتار شما نسبت به این اشخاص همانطور است که بیان کردم.

لزوم فروتنی

نمونه محبت شما را در شخص اسقفتان یافته ام که در رفتارش، سرمشق و ملایمتش، مقتدر است و اطمینان دارم که بی دینان نیز او را محترم می‌شمارند. بخاطر محبتی که نسبت به شما دارم، از دادن سفارشات شدیدتر در این مورد صرف نظر می‌نمایم، چون محکومی بیش نیستم، ادعا ندارم که همانند یک رسول شما را امر کنم.

در خدا افکاری متعال دارم اما من حدّی را برای خویش قایل هستم تا در راه خود ستایی از بین نروم، چون مخصوصاً همین حالا می‌بایست احتیاط نموده از گوش دادن به چرب زبانی‌ها اجتناب کنم. تملق برای من همانند تازیانه خوردن است، که مشتاق تحمل رنج هستم اما مطمئن نیستم که شایسته آن باشم. بی تابی من هر چند از دید بسیاری پنهان است اما در درون من به شدت با من در ستیز است. از این رو به ملایمت که خود فضیلتی است که حکمران این جهان را از پا در می‌آورد، نیاز دارم.

در این نامه آیا نمی‌توانم درباره مطالب آسمانی با شما صحبت کنم؟ چرا، اما چون هنوز طفل هستید، می‌ترسم شما را بیزارم، پس مرا ببخشید. نمی‌خواهم خوراکی را به شما بدهم که قادر به بلعیدن آن نیستید، در این صورت خفه می‌شوید. من خود گرچه اسپر عیسای مسیح هستم و قابلیت درک مطالب آسمانی و شناختن سلسله مراتب فرشتگان و افواج قدرتمند آسمانی و چیزهای مرئی و نامرئی را دارم، اما هنوز شاگرد حقیقی او نیستم. چون هنوز خیلی چیزها را کم داریم تا خدا را بیابیم.

فرار از الحاد

از شما استدعا دارم و در حقیقت نه من بلکه محبت عیسای مسیح از شما درخواست می‌نماید که فقط از غذای مسیحی تغذیه کنید و از هر گونه گیاه بیگانه که الحاد است، دوری کنید. ملحدان برای جلب اعتماد، عیسی مسیح را با خطاهای خود در می‌آمیزند، مانند اشخاصی که زهر کشنده را با مزوج شراب و عسل مخلوط می‌سازند. افراد نا آگاه با میل و رغبت همراه با این مزوج شیرین زهرآگین، مرگ را نیز سر می‌کشند.

الف) پس از اینگونه افراد بر حذر باشید و هرگاه در غرور غوطه ور نگردیده و از عیسی مسیح خداوند و از اسقف و از احکام رسولان جدا نشوید، موفق به این کار خواهید شد. کسی که در داخل معبد است پاک و کسی که در خارج از آن است ناپاک می‌باشد، بدین معنی که، کسی که جدا از اسقف و جماعت پیران و شماسان عمل می‌کند، وجدانش ناپاک است.

ب) نه اینکه در باره شما چنین چیزی شنیده باشیم، اما به خاطر محبتی که نسبت به شما دارم می خواهم شما را از دامی که از سوی شیطان پیش بینی می کنم از هم اکنون برحذر سازم. بنابراین به صبری حلیم مسلح گردید و توسط ایمان که جسم خداوند ماست و از راه محبت که خون عیسای مسیح است، از خود خلقتی جدید بسازید. هیچ یک از شما بر علیه هم نوع خود چیزی نداشته باشد. نباید دیوانگی بعضی از اشخاص برای افترا زدن به تمام ایمانداران بهانه ای بدست بی دینان دهد. چون گفته شده است که: "ملعون باد کسی که سبک سریش باعث تکفیر نام من گردد".

ایمان به مسیح

بنابر این گوشه‌ایان را ببندید بر سخنان کسانی که برای شما از عیسای مسیح صحبت نمی کنند که او از تبار داوود بود و پسر مریم، عیسای مسیح که حقیقتاً متولد گردید و خورد و آشامید و به طور حقیقی در زمان پنطیوس پیلاطس تحت آزار قرار گرفته، رنج و شکنجه را متحمل شد، و حقیقتاً مقابل زمین و آسمان و هاویه بر روی صلیب جان سپرد و نیز واقعاً از میان مردگان رستاخیز کرد. پدر اوست که وی را برخیزانید. همان پدر است که در عیسی مسیح و مانند او ما را بر خواهد خیزانید، ما که به او ایمان آورده ایم و بدون وی دارای حیات واقعی نمی باشیم.

اگر طبق ادعای بعضی از منکران خدا، یعنی بی ایمانان که ادعا می کنند او فقط در ظاهر عذاب کشید، در این صورت خودشان فقط ظاهراً زندگی می کنند، پس چرا در زنجیر هستم؟ چرا در آتش آرزوی مبارزه با درندگان بسوزم؟ و سرانجام بر علیه خدا دروغ می گویم (اول قرن‌تینان ۱۵: ۱۵).

پس بگریزید از این گیاهان طفیل و خطرناک زیرا میوه هایشان زهرآگین بوده و کسانی را که از آنها بچشند همان دم هلاک می کند. این گیاهان توسط پدر کاشته نشده اند (متی ۱۵: ۱۳، یوحنا ۱۵: ۱، اول قرن‌تینان ۳: ۹) در غیر اینصورت ما آنها را به عنوان جوانه های صلیب می دیدیم و میوه های آنها فساد ناپذیر می بود. عیسای مسیح بوسیله صلیب خویش از شما که اعضاء او هستید دعوت به سهیم شدن در رنج و عذاب خویش می نماید. پس سر(عیسی) بدون اعضاء متولد نمی گردد. خدایی که خود اتحاد است این اتحاد را به ما وعده داده است.

در اتحاد بمانید

از شهر از میر است که دروهای خود و کلیساهای خدا را که در اینجا با من هستند و از لحاظ مادی و روحانی وسایل تسلائی خاطر مرا فراهم ساخته اند، برای شما می فرستم.

الف) به نصایح زنجیرهای من که شما را مورد خطاب قرار داده و من آنها را همه جا به خاطر عیسای مسیح و با آرزوی رسیدن به خدا حمل می کنم، گوش فرا دهید. در امر هماهنگی و در دعای مشترک، پشتکار داشته باشید زیرا که وظیفه شما و بالاخص پیران است که اسقف را برای جلال پدر عیسی مسیح و رسولان قوت روحانی بخشید.

ب) به سخنان من با محبت گوش فرا دهید تا نامه من شهادتی بر علیه شما نباشد و برای من نیز دعا کنید. من برای دست یافتن به میراثی که به آن نزدیک شده ام و نیز برای اینکه بصورت یک فرد نالایق رد نشوم به محبت شما و رحمت خدا نیاز دارم (اول قرن نهم: ۲۷).

درود آخرین و طلب دعا برای کلیسای سوریه

برادران ما در ازمیر و افسس صمیمانه ترین دروذهای خود را برای شما ارسال می دارند. در دعاهاى خود از کلیسای سوریه که عضو نالایق و آخرین آنها هستم، یاد کنید. شما را در عیسای مسیح به خدا می سپارم. همانطوری که حکم خدا را در عیسای مسیح اطاعت می کنید اسقف را نیز اطاعت کنید و همچنین پیران را. یکدیگر را در اتحاد قلبی پایان ناپذیرتان محبت کنید. من از هم اکنون زندگی خود را در راه شما برای قربانی تقدیم می کنم و همچنین آن را روزی که نزد خدا برسم تقدیم خواهم کرد. من هنوز در معرض خطر می باشم اما امین است آن پدر در عیسی مسیح که دعاهاى من و شما را اجابت خواهد فرمود. پس به امید اینکه شما بدون عیب در او یافت شوید.

نامه ایگناسیوس به رومیان

درو

ایگناسیوس ملقب به تئوفورس،

به آن کلیسایی که با فیض عظیم پدر متعال و عیسیای مسیح، یگانه پسر او رحمت یافته، به آن کلیسایی که برحسب ایمان و محبتش جهت عیسیای مسیح، خدای ما با اراده آن کسی که تمام موجودات هستی را بر جهان خواسته است، محبوب و منور شده، به کلیسایی که در ناحیه رومیان ریاست می کند و شایسته خدا، شایسته افتخار، شایسته ملقب به سعادت، شایسته ستایش، شایسته موفقیت و شایسته طهارت می باشد. به کلیسایی که در رأس محبت قرار دارد و دربرگیرنده طریقت مسیح است و نام پدر را در برمی گیرد، این کلیسا را به نام عیسیای مسیح، یکتا پسر پدر درود می فرستم. به تمام آنانی که با تن و جان و روح در فرامین او متحد و از فیض خدا سرشار و تزلزل ناپذیر بوده و بری از هرگونه خللی در مقابل بیگانگان می باشند، برای آنها در عیسیای مسیح، خداوند ما شادی کامل و مقدسی را آرزو می کنم.

با آرزوی دیدن آنها و رسیدن به خدا

به قدرت دعا دیدار چهره های مقدس شما نصیبم گردید. چون با اصرار فراوان از خدا درخواست دریافت این فیض را کرده بودم و امیدوار هستم که به عنوان اسیر مسیح عیسی، شما را ملاقات کنم، اگر اراده خدا بر این باشد که شایستگی رسیدن به مقصد را داشته باشم. زیرا آغاز کار آسان است به شرط آنکه این فیض نصیب من گردد که بدون هیچ مانعی سهمی را که برایم مقرر شده دریافت دارم. اما ترس از آن دارم که محبت شما برای من زیان آور باشد. زیرا انجام دادن آنچه که مایل هستید بکنید برای شما آسان می باشد، ولی اگر مرا معاف نکنید به سختی خواهم توانست به خدا برسم.

از شهادت من جلوگیری نکنید

آنچه که من برای شما می خواهم این است که به دنبال لطف و احسان انسانها نروید بلکه در پی لطف خدا که حقیقتاً آن را کسب کرده اید، باشید. من هرگز موقعیتی مناسب تر از این موقعیت برای رسیدن به خدا به دست نخواهم آورد و برای شما کاری بهتر از این نیست که آرام بمانید. سکوت شما در مورد من، مرا با خدا همراه خواهد ساخت، اما اگر تن من مورد علاقه شماست در این صورت بالاچار دوباره باید از نو بدوم (اول قرننیا ۹: ۲۴-۲۷). از شما فقط یک چیز می خواهم و آن این است: حال که قربانگاه هنوز آماده است، بگذارید تا خون خود را به خدا تقدیم کنیم. (فیلیپیان ۲: ۷، دوم تیموتائوس ۴: ۶) بعد از آن در حالی که همه در محبت در یک

سرود متحد شده اید خواهید توانست در عیسی مسیح برای پدر بسرایید که خدا در لطف خود اسقف هوریه را از مشرق به مغرب احضار کرده، باعث شد که در او یافت شود. چه نیکو است به دور از دنیا در خدا غروب کردن و در او طلوع نمودن.

دعا کنید مسیحی واقعی گردم

شما هرگز نسبت به کسی حسد نورزیده اید. شما دیگران را تعلیم داده اید پس چیزی که از شما می‌خواهم دقیقاً این است که به تعلیمات و دستورات خود عمل کنید. به این امر اکتفا کنید که نیروی درونی و بیرونی را برای من درخواست کنید تا من نه تنها از راه زبان بلکه از راه دل و نه تنها اسماً بلکه عملاً نیز مسیحی باشم. چون اگر من عملاً مسیحی باشم در خور آن هستم که مسیحی نامیده شوم و آنگاه که از این دنیا بروم ایمان من با درخشندگی بیشتری ظاهر خواهد شد. آنچه قابل رؤیت است خوب نیست، حتی خدای ما عیسی مسیح هیچگاه خود را بهتر از آن موقعی ظاهر نکرد که به آغوش پدر بازگشت. هنگامی که مسیحیت در معرض تنفر دنیا قرار می‌گیرد دیگر کار استدلال انسانی نیست بلکه قدرت الهی است که کار می‌کند.

می‌خواهم خوراک حیوانات درنده و دانه گندم خدا شوم

برای همه کلیساها می‌نویسم و اعلام می‌دارم که اگر شما مانع من نشوید، از ته دل آماده‌ام تا در راه خدا جان بسپارم. از شما درخواست دارم که نیک خواهی بی‌موقع خود را از من دریغ بدارید. بگذارید خوراک حیوانات درنده شوم و توسط این درندگان است که خدا را خواهم یافت. من دانه گندم خدا هستم و توسط دندان درندگان آسیاب می‌شوم تا نان بی‌آلایش مسیح گردم. بهتر است که این درندگان را نوازش کنید، باشد که آنها قیر من گشته چیزی از جسد من باقی نگذارند، تا اینکه در آخرین خواب خود به کسی زحمت ندهم. در آن زمان شاگرد حقیقی عیسی مسیح خواهم شد که دنیا دیگر حتی جسد مرا هم نبیند. مسیح را دعا کنید که مرا شایسته آن سازد که از راه دندانهای درندگان برای خدا قربانی شوم. همانند پطرس و پولس به شما دستور نمی‌دهم چون آنها رسول بودند و من فقط یک محکوم به مرگ هستم. آنها آزاد بودند و من تاکنون برده می‌باشم، اما مرگ مرا تبدیل به برده آزاد شده عیسی مسیح خواهد کرد (اول قرن‌تینان ۷: ۳۲) که در او آزاد شده، تولد نوین خواهم یافت. اما در حال حاضر زنجیر به دست می‌آموزم تا چیزی را آرزو نکنم.

از سوریه تا روم روی زمین و در دریا شب و روز همینطور که با زنجیر به ده پلنگ بسته شده‌ام با درندگان در مبارزه‌ام (اول قرن‌تینان ۱۵: ۳۲). در باره محافظین خود صحبت می‌کنم که هرچه بیشتر نیکی می‌بینند ظالم‌تر می‌شوند. اما توسط رفتار ظالمانه آنها بیشتر به شاگرد واقعی مسیح تبدیل می‌شوم. کاش بتوانم در حیواناتی که برای من آماده شده‌اند شادی نمایم! امیدوارم که کار مرا سریع تمام

کنند. در صورت لزوم به آنها تملق خواهیم کرد تا مرا در جا ببلعند و کاری را که به عده ای انجام داده اند برای من تکرار نکنند که ترسیدند ایشان را لمس کنند و اگر مایل نباشند آنها را وادار خواهم کرد. مرا ببخشید، خود نفع خویشتن را بهتر تشخیص می دهم. حال شروع می کنم که شاگرد مسیح شوم. باشد که هیچ موجود مرئی یا نامرئی در صدد نباشد تا از روی حسد مانع آن شود که عیسیای مسیح را بیایم. آتش، صلیب، گله حیوانات درنده، پاره پاره شدن، شقه شدن، در رفتگی استخوانها، قطع اعضاء، خرد شدن تمام بدن، ... باشد که بی رحمانه ترین شکنجه های شیطانی بر من واقع شود، به شرط اینکه من بالاخره عیسیای مسیح را بیابم!

سرمشق از رنج و عذاب عیسی

به چنگ آوردن تمام دنیا برای من چه سودی در بر دارد؟ مرا چه کاری است با سلطنت های این دنیا؟ مردن در راه عیسیای مسیح از پادشاهی کردن تا منتهی الیه زمین برای من افتخار آفرین تر است. به دنبال او هستم، به دنبال عیسیایی که برای ما جان سپرد! اوست که می طلبد، او را که به خاطر ما رستخیز کرد! اکنون لحظه زاده شدن من نزدیک است. ای برادران، مرا ببخشید! مانع زیستن من نشوید، در پی مرگ من نباشید، می خواهم از آن خدا گردم، مرا به دنیا و فریب های مادی تسلیم نکنید. بگذارید که به روشنایی محض نایل شوم، در آن هنگام انسان خواهم بود. اجازه دهید از رنج و عذاب خدای خودم سرمشق بگیرم. اگر کسی این خدا را در قلب خود دارد، باشد که آرزوهای مرا درک کرده بر من رحم نماید، زیرا که او با اشتیاقی که قلب مرا می فشارد آشناست (فیلیپیان ۱: ۲۳). حکمران این جهان می خواهد مرا از خدا جدا کند و احساساتی را که نسبت به او دارم تغییر دهد. ای تماشاگران نگذارید کسی از شما به شیطان کمک کند! بالعکس سعی کنید از من یعنی از خدا طرفداری کنید. چنین نباشد که عیسیای مسیح را بر زبان برانید و دنیا را در دل حسد را از خود دور کنید. هنگامی که در میان شما باشم هرگاه احیاناً درخواست ترحم بنمایم، سخن مرا باور ننمایید، ولی آنچه را که اکنون برایتان می نویسم باور کنید. زیرا در عین حیات است، که با اشتیاق مردن به شما می نویسم. امیال دنیوی من مصلوب شده اند و در من دیگر آتشی نسبت به مادیات شعله ور نیست. در من فقط "آب حیاتی" وجود دارد که در درون من زرمه می کند و می گوید: "به سوی پدر بیا!" دیگر نه از غذاهای فاسد و نه از شادیهای این زندگی لذت می برم. چیزی که می خواهم "نان خداست"، نانی که تن عیسیای مسیح "پسر داوود" می باشد و برای نوشیدن، خون او را طالبم که محبت فاسد نشدنی است.

بگذارید بمیرم

دیگر نمی خواهم این زندگی خاکی را داشته باشم و اگر شما بخواهید این چنین خواهد شد. پس آن را بخواهید تا شما نیز شامل الطاف الهی گردید. چکیده خواسته من این است: مرا باور کنید. عیسیای مسیح به شما نشان خواهد داد که حقیقت سخنان مرا دریابید، او دهان خطا ناپذیری است که توسط آن پدر حقیقتاً سخن گفته است. برای من طلب کنید که او را بیابم این نامه از روح خدا ملهم شده است و نه از وجود جسمانی من. اگر رنج ببرم لطف خود را به من نشان داده اید و اگر برکنار شوم به من کینه خود را ابراز نموده اید.

نصیحت و دعا

در دعاهای خود از کلیسای سوریه که به جای من شبانی بجز خدا ندارد یاد کنید. این کلیسا اسقف دیگری بجز عیسیای مسیح و محبت شما نخواهد داشت. خجالت می کشم از اینکه جزو اعضاء آن محسوب گردم و لایق ایشان نیستم، من که آخرین هستم و همچون طفلی سقط شده می باشم (اول قرننیان ۱۴: ۸-۹). ولی هرگاه به خدا برسم به انسانی تبدیل خواهم شد و خدا در رحمت خود این فیض را به من عنایت کرده است.

روح من همراه با کلیساهای پرمحبتی که مرا در نام عیسیای مسیح، نه به عنوان رهگذری ساده پذیرفته اند، سلام می رساند و حتی کلیساهایی که در مسیر من نبودند (یعنی در مسیر جسم من) از شهری به شهرهای دیگر به پیشواز من می آمدند. این نامه را از شهر از میر توسط افسسیان که شایسته است آنان را نیکبخت بنامیم، می نویسم.

عده بسیاری همراه با کروکوس که شخص وی برای من بسیار گرامی است با من می باشند. فکر می کنم شما آنهایی را که قبل از من به خاطر جلال خدا از سوریه به روم آمده اند در حال حاضر شناخته اید. پس، آمدن قریب الوقوع مرا به آنها اطلاع دهید، همه آنها لایق خدا و لایق شما می باشند. شایسته است که آنها را در تمام نیازمندیهایشان یاری نمایید. شما را به خدا می سپارم تا به شما شهادتی عطا کند که تا به آخر در رنج به خاطر عیسیای مسیح، ایستادگی کنید.

نامه ایگناسیوس به اهالی شهر فیلادلفیه

درو

ایگناسیوس ملقب به تئوفورس، به کلیسای خدا، پدر خداوند عیسی مسیح در فیلادلفیای آسیا، به کلیسایی که در رنج و عذاب خداوند ما دارای شمع و سروری تزلزل ناپذیر است و به واقعیت رستاخیز وی اعتقاد کامل دارد. به کلیسایی که مورد رحمت الهی بوده و در هماهنگی که از خدا می آید مستحکم گشته.

در خون عیسی مسیح درود بر این کلیسایی که همیشه مورد تسلاي خاطر من خواهد بود، به ویژه اگر ایمانداران آن با اسقف و پیران کلیسا و شماسان که همکاران اسقف می باشند، در اتحاد کامل باقی بمانند. ایشان که با رضایت عیسی مسیح مأمور گشته اند و او آنها را به اراده خود توسط روح القدس مستقر و تأیید نموده است.

در مدح اسقف کلیسایشان

من خوب واقفم که اقدامات شخصی و لطف انسانها و احساس جلال بیهوده، این اسقف را به مقام رهبری جامعه مسیحیت شما نرسانده است، بلکه محبت خدای پدر و خداوند عیسی مسیح. نیکویی وی باعث شگفتی من شد. سکوت وی از هر سخنرانی بیهوده ای قویتر است. زیرا همانطوری که چنگ با سیم های خود هماهنگی دارد، رفتار وی نیز با قانون خدا هماهنگ است. بنابراین پارسایی وی را که فضیلت و کمال آن مورد تحسین من بود و ثابت قدمی و آرامش وی را که تصویری از رحمت خدای حی می باشد، از صمیم قلب تهنیت می گویم.

از ملحدان دوری کنید

پس شما ای فرزندان نور حقیقی، از تفرقه و پیروی از عقاید مضر، گریزان باشید. همانند بره ها همه جا از شبان خود پیروی کنید. گرگهایی که دارای ظاهری متملق می باشند، با جذابیت مخرب خود آنهايي را که در میدان خداوند می دوند فریب داده، می ربایند، اما اتحاد شما هیچگونه راه دخولي برای آنها باقی نخواهد گذاشت. از این گیاهان زهرآلودی که بوسیله پدر کاشته نشده و توسط عیسی مسیح پرورده نمی شوند، بپرهیزید (متی ۱۵: ۱۳، یوحنا ۱۵: ۱، اول قرنتیان ۳: ۹).

در قربانی مقدس اتحاد را بجوید

این امر به دلیل آن نیست که در میان شما تفرقه می باشد بلکه پالایشی اساسی یافته ام. زیرا تمام کسانی که به خدا و عیسی مسیح تعلق دارند، در اتحاد با اسقف باقی می مانند و تمام کسانی هم که توبه می کنند، در اتحاد کلیسا وارد می شوند، ایشان نیز به خدا تعلق خواهند گرفت تا در پیروی از عیسی مسیح زندگی کنند. "ای

برادران من فریب نخورید"، هر که به دنبال اشخاصی که مرتکب انشقاق شده اند می رود، "از میراث ملکوت خدا محروم خواهد شد" (اول قرنیتان ۶: ۹-۱۰) و هر که از عقاید بیگانه الهام بگیرد، در رنج و عذاب عیسای مسیح هیچگونه سهمی نخواهد داشت. پس توجه کنید و فقط در یک آیین شکرگزاری شرکت نمایید. چون تنها یک تن خداوند عیسای مسیح وجود دارد و فقط یک جام هست که ما را در خون او متحد می سازد و نیز تنها یک قربانگاه موجود است، همانطوری که اسقف در میان جماعت پیران و شماسانی که شریک خدمت وی هستند، یگانه می باشند. بدین ترتیب شما در همه کارها اراده خدا را به جا خواهید آورد.

انجیل و پیامبران

از آیین یهود بگریزید

ای برادران قلبم از محبت نسبت به شما لبریز است و با شادمانی بسیار البته نه من بلکه عیسای مسیح، سعی بر آن دارم که شما را استوار گردانم. من که به خاطر نام او در بند هستم اطمینانم از هر موقع دیگری کمتر می باشد چون احساس می کنم که از کمال، بسیار به دور هستم. اما دعاهای شما مرا شایسته خداوند و میراثی خواهد نمود که او در رحمت خود برای من مهیا ساخته است. به مژده انجیل همچون تن عیسای مسیح و به رسولان همچون جماعت پیران کلیسا پناه می برم. همچنین پیامبران را دوست بداریم چون آنها نیز مژده انجیل را اعلام داشته اند. هدف امیدها و انتظارات آنها مسیح بود و ایمان ایشان نسبت به او باعث نجات آنها شد. آنها که مقدسینی بودند در پیوند صمیمانه با عیسای مسیح و سزاوار محبت و تحسین، استحقاق پذیرفتن شهادت عیسای مسیح و بردن سهمی را از مژده انجیل که امید مشترک همه ماست، دارند.

اگر کسی بخواهد دین یهود را برای شما موعظه کند به حرف او گوش ندهید. شنیدن موعظه ای درباره مسیحیت از دهان شخصی مختون بهتر است از شنیدن مطلبی درباره آیین یهود به وسیله شخص نامختون. اگر نه این و نه آن نام عیسای مسیح را بر زبان نیاورند در نظر من مثل سنگهای قبر و قبرهایی می باشند که فقط نام اشخاص بر آنها نوشته است (متی ۲۳: ۲۷).

اقدامات بر علیه اتحاد

بنابراین از حيله های خبیث و دامهای حکمران این جهان بگریزید تا نیرنگ های او نتواند باعث افتادگی و تضعیف محبت شما گردد. بلکه همه در قلبی ناگسسته با یکدیگر ببینید. سپاس خدای را که وجدان من در مورد شما هیچ سرزنشی را احساس نمی کند. هیچ کس نمی تواند چه آشکار و چه پنهان مدعی باشد که من کم یا

بیش سربار او بوده ام (دوم قرننیاں ۱۱: ۹، ۱۲: ۱۳-۱۶) و اما درباره کسانی که سخن مرا شنیده اند، آرزو می کنم که این سخن را به عنوان شهادتی بر علیه خود نپذیرفته باشند. برخی قصد داشته اند مرا بر حسب جسم فریب دهند اما روح را نمی توان فریب داد چون از سوی خدا می آید. "او می داند از کجا می آید و به کجا می رود" (یوحنا ۳: ۸) و پنهانی ترین رازها را آشکار می کند. در مدت اقامت در میان شما فریاد زدم و با صدای بلند با آوایی که از آن خدا بود گفتم: به اسقف خود و به جماعت پیران و شماسان خود بپیوندید. اشخاصی نسبت به من مذنون بودند و می پنداشتند چون انشقاق ایشان را درک کرده ام چنین سخن می گویم، حال آنکه آن کس را که به خاطر وی در بند این زنجیر می باشم به شهادت می گیرم که این امور توسط انسانها بر من آشکار نشده است. روح القدس بود که آن را به من اعلام کرده و می گفت: "هیچ کاری را بدون اسقف انجام ندهید، بدنهای خود را مانند معبد خدا محترم بدارید (اول قرننیاں ۳: ۱۶، ۶: ۱۹)، اتحاد را دوست داشته باشید، از تفرقه بگریزید و همانطوری که عیسای مسیح از پدر خود پیروی می کرد از او سرمشق بگیرید." (اول قرننیاں ۱۱: ۱).

بنابراین به عنوان شخصی که برای اتحاد ساخته شده است، آنچه از دستم بر می آمد، انجام دادم. خدا در جایی که تفرقه و خشم حکم فرما است، ساکن نمی گردد. با این وجود خداوند شخص توبه کار را می بخشد به شرط اینکه توبه، شخص یاقی را به سوی اتحاد با خدا و همبستگی با اسقف سوق دهد. من ایمان دارم که فیض عیسای مسیح شما را از تمام بندها رهایی خواهد بخشید. از شما می خواهم که هیچ عملی را نه با ستیزه جویی، بلکه طبق تعلیمات مسیح انجام دهید. شنیدم که بعضی ها چنین می گفتند: "من آن چیزهایی را که در مدارک معتبر نمی یابم و به آنها نیز در انجیل باور ندارم." و هرگاه به ایشان می گفتم که "مکتوب است" در جواب می گفتند: "مسئله همینجاست." ولی مدرک معتبر من عیسای مسیح است. مدارک نقض نشدنی من، صلیب او، مرگ او، رستاخیز او و ایمانی است که او عامل آن می باشد و توسط آنها و دعاها شماس است که در انتظار برائت خود می باشم.

مژده مسیح و پیامبران

کاهنان همواره مورد احترام بوده اند، اما بالاتر از آنها رییس کهنه وجود دارد که مسئول قدس الاقداس بوده یگانه محرم اسرار خداست. او دری است که به سوی پدر باز می شود (یوحنا ۱۰: ۷-۹)، دری که ابراهیم، اسحاق، یعقوب، انبیاء، رسولان و کلیسا از میان آن وارد می شوند. تمام این چیزها فقط به خاطر یک هدف است و آن اتحاد ما با خدا می باشد. اما در مژده مسیح نکته کاملاً ویژه ای وجود دارد که عبارت است از ظهور نجات دهنده، خداوند ما عیسای مسیح و رنج و عذاب و رستاخیز وی. زیرا انبیای محبوب کاری جز اعلام ظهور وی نکرده اند در صورتی

که مژده مسیح، خود تحقق یافتن زندگی جاودانی است. در هر صورت همه چیز به یک اندازه نیکوست مشروط بر اینکه در محبت، ایمان آورید.

نصیحت و دعا

به من اعلام کرده اند که با دعای شما و شفقتی که در عیسیای مسیح یافته اید، کلیسای انطاکیه در سوریه در آرامش به سر می برد. در این صورت شایسته است که شما به عنوان کلیسای خدا، شماسی را انتخاب کنید تا مانند پیامبر خدا به آنجا رفته و با آنانی که جمع شده اند، شادی کرده و آن نام را جلال بخشد. خوشبحال آن کسیکه در عیسیای مسیح شایسته چنین خدمتی شناخته شود و جلال شما نیز در آن خواهد بود. اگر چنین پیشنهادی را می پذیرید، انجام آن جهت نام خدا غیر ممکن نیست مانند بعضی از کلیساهای نزدیکتر که اسقف خود را فرستاده و برخی دیگر که پیران شماسان را گسیل داشته اند.

"فیلون" شماس "قلقیا" که به نیک نامی مشهور است بطور مداوم مرا در امر خدمت کلام خدا یاری می دهد و همچنین "رئوس آگاتوپوس"، یکی از نخبگان، که تمام ثروت زندگی را جهت همراهی با من از سوریه تا بدین جا ترک کرده است. هر دوی آنها برای شما این شهادت را می دهند، و من هم خدا را از این بابت از سوی شما سپاس می گویم، که شما آنها را طوری پذیرفته اید که خداوند خود شما را پذیرفته است.

اما باشد کسانی که در احترام به آنها کوتاهی کرده اند مغفرت گناهان خود را از فیض عیسیای مسیح بدست آورند.

سلام محبت آمیز برادران شهر "توراس" را برای شما می فرستم. از همین شهر است که این نامه را با دست "بوروس" که اهالی از میر و افسس برای افتخار من او را همراه من روانه ساخته اند، برای شما می نویسم.

عیسیای مسیح خداوند نیز به نوبه خود ایشان را قرین افتخار خواهد ساخت خداوندی که توسط ایمان و محبت و یکدلی با جسم و روح و روان خود در وی امید دارند. شما را به عیسیای مسیح که امید مشترک ماست، می سپارم.

نامه ایگناسیوس به اهالی شهر از میر

درو

ایگناسیوس ملقب به تئوفورس، به کلیسای خدای پدر و عیسیای مسیح پسر محبوب او، به کلیسایی که توسط رحمت الهی پر از فیض و سرشار از ایمان و محبت و مملو از تمام هدایا و مورد احترام بوده و پر از گنج های آسمانی می باشد. به کلیسای شهر از میر در آسیا در روحی بی آرایش و در کلام خدا، درودهای فراوان می فرستم.

ایمان اهالی از میر

واقعیت انسانیت و رنج و عذاب مسیح

خدای ما عیسیای مسیح را که الهام بخش چنین حکمتی به شما بوده است ستایش می کنم. برای من محقق شده است که شما در ایمانی تزلزل ناپذیر تکامل یافته و به عبارتی جسم و روح خود را به صلیب عیسیای مسیح میخکوب کرده اید و به خون مسیح در محبت استوار گشته اید. می دانم که شما عقیده راسخ بر این امر دارید که خداوند ما واقعاً برحسب جسم از ذریت داوود بوده (رومیان ۱: ۳) و به اراده و قدرت الهی پسر خدا می باشد (یوحنا ۱: ۱۳) و حقیقتاً از یک باکره متولد گردید (اشعیا ۷: ۱۴) و برای به کمال رساندن عدالت کامل، به دست یحیی تعمید یافت (متی ۳: ۱۵) و تحت سلطه پنتیوس پپلاطس و هیرودیس حاکم، در جسم خود به خاطر ما میخکوب شده و زندگی ما مدیون ثمره صلیب او و رنج و عذاب مقدس و الهی وی می باشد. چنین واقع شد که او توسط رستاخیز خود "علم خود را بر تمام قرون و اعصار برافراشت" تا مقدسین و ایمانداران خود را اعم از یهودی و غیر یهودی به صورت یک جسم واحد که همان کلیسای وی می باشد گردآورد. پس او به خاطر ما و به خاطر نجات ما متحمل تمام زجرها شد و زجرهای وی واقعی بود همانطوری که حقیقتاً بعد از مرگ رستاخیز نمود و رنج و عذاب وی تنها صورت ظاهری نداشته، عقیده ای که برخی از ناباوران مدعی آن هستند، در اینصورت خود آنهاست که ظاهراً زندگی می کنند و طبق عقیده خودشان عاقبت بی جسم شده به شیاطین شباهت خواهند یافت. اما من می دانم و ایمان دارم که عیسیای مسیح حتی پس از رستاخیز خود دارای جسم بوده است. زمانی که به پطرس و همراهانش نزدیک شد به آنها چه گفت؟ "دستها و پاهایم را لمس کنید که من خودم هستم و دست بر من گذارده ببینید زیرا که روح بدون جسم نیستم" (لوقا ۲۴: ۳۹). آنها بلافاصله دست بر وی گذاردند و در همان حال در جسم و روح او کاملاً متحد گشتند. در نتیجه مرگ را ناچیز شمرده و مافوق بر آن شمرده شدند. عیسی پس از رستاخیز گرچه روحاً با پدر متحد بود با شاگردان خود مانند یک انسان خورد و آشامید.

از ملحدان دوری کنید

ای عزیزانم، این نصایح من خطاب به شماست. البته واقف هستم که شما هم این چنین فکر می کنید. هدف من این است که شما نسبت به حیوانات درنده ای که صورت انسانی دارند هشدار دهم. شما نه تنها نباید آنها را بپذیرید بلکه حتی در صورت امکان باید از روبرو شدن با آنها اجتناب ورزیده و تنها با دعا کردن برای بازگشت ایشان به سوی خدا که امری است بس مشکل اما برای عیسای مسیح که زندگی راستین ماست امکان پذیر می باشد، اکتفا نمایید. اگر خداوند ما فقط در ظاهر، تمام اعمال مختلف را انجام داده است، پس زنجیرهایی هم که به من بسته اند ظاهری می باشند. پس چرا خود را به مرگ از راه آتش، شمشیر و جانوران سپرده ام؟ چون مجاورت با شمشیر به معنای نزدیکی با خداست و در میان درندگان بودن یعنی با خدا بودن، مشروط بر اینکه این زجرها به خاطر نام عیسای مسیح باشد. به خاطر مشارکت در رنج و عذاب او این همه را متحمل می شوم. او که کاملاً انسان شد، این توانایی را به من ارزانی می دارد. هستند کسانی که از روی نادانی او را نفی می کنند اما در حقیقت این اوست که آنها را نفی کرده است. آنها که بیشتر طرفدار مرگ هستند تا حقیقت، کسانی می باشند که نه نبوت های پیامبران و شریعت موسی آنها را متقاعد ساخته است، و حتی تاکنون نه مژده عیسی و نه رنجهایی که هر یک از ما متحمل آنها شده ایم. و آنها نیز درباره ما چنین می اندیشند. تمجید من از جانب کسی که با انکار کردن تن گیری او به خداوند من کفر می گویند، به چه درد من می خورد؟ کسی که این حقیقت را اعتراف نمی کند او را کاملاً انکار کرده و در برگیرنده مرگ است.

این اشخاص که از نوشتن نام ایشان خودداری می کنم بی ایمانند و تا زمانی که آنها توسط توبه به عذاب و شکنجه مسیح که رستاخیز ماست ایمان نیاورند یاد ایشان از خاطر من خطور نکند؟

کسی دچار اشتباه نشود: حتی موجودات آسمانی، فرشتگان با تمام جلال خود و قدرت های مرئی و نامرئی، در صورتی که به خون مسیح ایمان نداشته باشند تحت داوری قرار خواهند گرفت. "هرکس که می تواند بفهمد، بفهمد." هیچ کس نباید به مقام خود مغرور شود، چون ایمان و محبت بنیان اصلی است و چیزی بالاتر از آنها وجود ندارد. آنهایی را که عقیده غلط خود را نسبت به فیض عیسای مسیح که به سوی ما آمد، آشکارا اظهار می دارند، بشناسید. آنها تا چه حد بر خلاف فکر خدا هستند! آنها در محبت قاصرند و نسبت به بیوگان و یتیمان و مظلومان و اسیران و آزاد شدگان و گرسنگان و تشنگان هیچ غمی ندارند. آنها از شرکت در آیین شکرگزاری و دعا خودداری می کنند چون نمی خواهند بپذیرند که آیین شکرگزاری همان تن عیسای مسیح، نجات دهنده ما می باشد، تنی که به خاطر گناهان ما متحمل رنج شده و پدر

در مهر خود آن را برخیزانید. بدین ترتیب آنهایی که عطیه خدا را نفی می کنند، مرگ را در منازعات خود می یابند. بهتر این می بود که آنها محبت را پیشه می ساختند تا در رستاخیز سهمی داشته باشند (متی ۲۵: ۳۴-۳۵). پس از این اشخاص دوری جوید و درباره آنها و به طور خصوصی و نه در ملاء عام صحبت کنید. به پیامبران و به خصوص به مژده انجیل که در آن درد و عذاب مسیح بر ما آشکار گشته و رستاخیز او به تحقق رسیده است، ببینید. از نفاق که سرچشمه تمام بدیهاست گریزان باشید.

به اسقف ملحق شوید

همه شما مانند عیسای مسیح که از پدر پیروی می کرد، از اسقف پیروی نمایید و پیران کلیسا را همچون رسولان. و اما درباره شماسان، ایشان را چون حکم خدا محترم شمارید. در مورد کارهایی که به کلیسا مربوط است جدا از اسقف اقدامی نکنید. تنها آن آیین شکرگزاری، آیین معتبری است که تحت نظارت اسقف یا نماینده او برگزار شود.

در هر جایی که اسقف ظاهر می شود، جماعت مسیحیان نیز باید باشند همانطوری که هر جایی که مسیح عیسی است کلیسای همگانی نیز هست. برگزاری مراسم تعمید و شام دوستی جدا از اسقف، مجاز نمی باشد بلکه همه آن چیزهایی را که او تأیید کند مورد پسند خدا نیز می باشد.

بدین ترتیب هر آنچه که انجام می شود مطمئن و معتبر خواهد بود. منطق حکم می کند که عقل سلیم خود را باز یابیم و تا جایی که وقت اجازه می دهد از راه توبه به سوی خدا بازگردیم. یک قاعده به جا این است که همیشه خدا و اسقف را مدّ نظر داشته باشیم. اقدامی که بدون اطلاع اسقف باشد به مثابه خدمت به شیطان است.

تشکر و نصیحت و دعا

باشد که فیض الهی شما را از تمام خوبیها سرشار سازد که شما لایق آن می باشید و شما همه نوع دلداری به من بخشیده اید باشد که عیسای مسیح برای شما همین کار را انجام دهد! شما چه از دور و چه از نزدیک محبت خود را به من نشان داده اید، باشد که خدا شما را عوض دهد! اگر به خاطر او متحمل همه سختیها شوید، موفق خواهید شد که او را از آن خود سازید.

"فیلون" و رؤس آگاتوپوس" که به خاطر رضای خدا به دنبال من آمده اند، نزد شما همانند شماسان مسیح خدا مورد پذیرایی قرار گرفته اند و این یکی از اعمال خوب شما بوده است. آنها نیز برای هرگونه دلداری که شما برای ایشان فراهم ساخته اید خدا را ستایش می نمایند. هیچ یک از این اعمال برای شما از بین نخواهد رفت. جان من فدیة ای برای شماست و همچنین زنجیرهایی که باعث تحقیر و شرمساری شما

نشدد و به همان صورت عیسیای مسیح که ایمان محض است از شما شرمسار نخواهد شد.

درد آخرین

دعاهای شما به سوی کلیسای انطاکیه در سوریه روانه گشته است و من نیز که با بار این زنجیرهایی که در مقابل خدا گرانبها می باشند از آنجا بیرون آمده ام، به همه شما درود می فرستم، من که از حقیرترین اعضاء آن کلیسا بوده شایسته آن نیستم که جزئی از آن باشم. اما بنابر اراده خدا این افتخار را مدیون فیض او می دانم نه مدیون لیاقت خود باشد که برای رسیدن به خدا بتوانم به کمک دعاهای شما این فیض را با تمام کمالتش دریافت دارم. شایسته است کلیسای شما برای اتمام کارتان بر زمین و در آسمان، فرستاده ای از طرف خدا انتخاب نموده، نزد مسیحیان انطاکیه به سوریه بفرستد تا به جهت بازیافتن صلح و صفا و عظمت پیشین، همچنین برای پابرجاستن بدنشان (کلیسا) با آنها شادی نماید. به نظرم رسید که امری شایسته است اگر شما یکی از خودتان را با نامه ای به منظور تکریم آرامشی که توسط خدا به آنها بازگردانده شده است و نیز به جهت رسیدن کلیسای آنها به بندر که این در نتیجه دعاهای شما حاصل شده است، بفرستید. همچنان که کامل هستید، افکار خود را تکامل بخشید، چون اگر شما مایلید اعمال خیر انجام دهید، خدا آماده است آن را به شما ارزانی دارد. برادرانی که در شهر ترواس هستند، در محبت درود گرم خود را برای شما می فرستند. از همین شهر است که این نامه را توسط بوریوس برای شما می فرستم، کسی که شما با موافقت برادران افسس مأمور کرده اید تا مرا همراهی کند: او همه گونه تسلی را برای من فراهم کرده است. ایکاش همه از او سرمشق می گرفتند، چون او سرمشقی برای خدمت به خدا می باشد. بهرحال فیض الهی، وی را پاداش خواهد داد. به اسقف محبوب خدا و پیران محترم و شماسانی که همکاران من هستند، به نام مسیح و به نام تن و خون او و رنج و عذاب و رستاخیز وی و در اتحاد جسمانی و روحانی با خدا و با یکدیگر، به طور اعم و اخص، درود می فرستم.

فیض و رحمت، صلح و صفا، صبر و تحمل برای همیشه با شما باد! به خانواده های برادران خود و همسران و کودکان ایشان و نیز به باکره هایی که موسوم به بیوه اند درود می فرستم! در روح القدس قوی باشید!

فیلون، همکار من، به شما سلام می رساند. بر خانواده بانو "تاویا" درود می فرستم و برای وی آرزو می کنم که در ایمان و در محبت جسمانی و روحانی استوار گردد، به "آلسه" که نامش برایم گرمی است و نیز به دافنوس بی همتا و همچنین "اوتکنوس" و به همه شما، یکایک درود می فرستم.

در فیض خدا سلامتی بر شما باد.

نامه ایگناسیوس به پلیکارپ

درود

ایگناسیوس ملقب به تنوفورس، بر پلی کارپ اسقف کلیسای ازمیر، یا بهتر به آن کسی که بعنوان اسقف، خدای پدر و خداوند عیسی مسیح را برای خود دارد، هزاران درود می فرستد.

نصایح گوناگون جهت اداره کلیساها

محبت، ملاطفت و ایستادگی

زهد تو را با شادمانی که مانند صخره ای غیر قابل تزلزل، مستحکم میبشد، استقبال میکنم و از ستایش خدا به خاطر دیدار چهره مقدس تو، باز نخواهم ایستاد. باشد که از این نعمت در خدا برخوردار گردم.

از تو خواهش دارم توسط فیضی که به آن ملبس شده ای با شدت بیشتر شتاب کرده و دیگران را نیز برای یافتن نجات ترغیب کنی. شأن اسقفی خود را در رأفت کامل جسمانی و روحانی به اثبات برسان. اتحاد را که از بزرگترین محاسن است بپروران. بار همه برادران را در صبر و شکیبایی به عهده گیر، همچنان که خداوند بار تو را به عهده می گیرد آنها را در محبت تحمل کن گرچه هم اکنون این کار را انجام می دهی. پیوسته دعا کن، همواره حکمت عمیقتر از آنچه داری درخواست کن، بیدار و هوشیار باش و نگذار که روح هرگز به خواب رود. از خدا سرمشق بگیر و با هر کس گفتگویی در حد آن شخص داشته باش. ناتوانی تمام برادران را همانند پهلوانی حقیقی حمل کن. (دوم تیموتائوس ۲-۳، ۵، متی ۸/۱۷) جاییکه زحمات فراوان باشد بهره نیز افزون است. اگر فقط شاگردان خوب را دوست بداری، چه کار قابلی انجام داده ای؟ بلکه باید بیمارترین ها را با ملایمت مرید خود سازی. یک نوع مرهم، مناسب همه زخم ها نیست، بحرانهای شدید را با داروهای ملایم باید تسکین داد. در هر چیز "مانند مار هوشیار و مانند کبوتر ساده دل باش" (متی ۱۵: ۱۶).

چون در آن واحد هم در جسم هستید و هم در روح، پس بیماری را که می بینی با ملایمت درمان کن. اما در مورد امور نادیدنی دعا کن تا آنها بر تو مکشوف شوند، بدین ترتیب در عمل هیچ کم نخواهی داشت و تمام عطایای روحانی را به فراوانی بدست خواهی آورد. همانطوری که ناخدای کشتی طالب باد است و کشتیران طوفان زده در پی بندر، همینطور زمان حاضر برای تو چنین ایجاب می کند که به سوی خدا بشتابی. همچون پهلوان خداوند، پرهیزکاری را پیشه کن چون پاداش آن فناپذیر است و آن حیات جاودانی است و تو نیز به آن ایمان راسخ داری. در هر چیز برای تو فدیة می باشم و همچنین این بنده هایی که مورد محبت تو می بود.

ایستادگی در مقابل ملحدان

از اشخاصی که در ظاهر، جلب اعتماد کرده ولی تعلیم خطا می دهند نترس. مانند سندان در زیر چکش استوار باش. پهلوان حقیقی با وجود ضربه هایی که بر او وارد می شود، پیروز می گردد. ما باید همه چیز را به طریق اولی به خاطر خدا تحمل کنیم تا او نیز ما را تحمل کند. بر کوشش خود بیفزای. زمان را تشخیص بده و در انتظار کسی باش که از تمام نابسامانی ها بالاتر بوده و خارج از زمان است، کسی که نامرئی بود و به خاطر ما خود را مرئی ساخت، او که غیر قابل لمس و دردناپذیر بود به خاطر ما پذیرای درد گردید و هرگونه عذاب و شکنجه را متحمل شد.

بیوه زنان و بردگان

از بیوه زنان غافل مباش چون پیش از خداوند تو باید از آنها مواظبت کنی. مراقب باش که کاری بدون اجازه تو انجام نگیرد و خود تو هم هیچ کاری را بدون خدا انجام نده، البته خط مشی تو همین است. استوار باش، اجتماعات بیشتری تشکیل بده و تمام ایمانداران را بطور انفرادی و بنام دعوت کن. با بردگان اعم از زن و مرد با حقارت رفتار مکن، آنها نیز باید از غرور بپرهیزند و بالعکس برای جلال خدا با کوشش بیشتری به خدمتگذاری بپردازند تا آزادی حقیقی را از او بدست آورند و جویای آن نباشند که جماعت مسیحیان بهای آزادی آنان را پرداخت کند، چون به این ترتیب برده امیال خویش می گردند.

پاکدامنی و ازدواج

از حرفه های نا درست گریزان باش و بهتر است بر علیه آنها موعظه کنی. به خواهران من بگو که خداوند را دوست بدارند و نسبت به شوهرانشان جسماً و روحاً وفادار باشند. همچنین به برادران من توصیه کن که به نام "عیسای مسیح همسرانشان را همانطوریکه خداوند کلیسا را دوست می دارند، دوست بدارند" (افسیسیان ۵/۲۵-۲۹).

اگر شخص ایماندار برای حرمت جسم خداوند می تواند پاکدامن بماند، در فروتنی بسر برد، اگر از این امر مغرور گردد، هلاک می شود و اگر او به عنوان یک شخص پاکدامن خود را به کسانی به غیر از اسقف بشناساند فاسد می گردد. همچنین شایسته است اشخاصی که اقدام به ازدواج می کنند اعم از زن و مرد عقد خود را با نظر اسقف منعقد سازند تا ازدواج آنان بر حسب خداوند و نه بر پایه شهوت انسانی انجام گیرد و همه چیز در راه جلال خدا باشد.

نصیحت به ایمانداران

اطاعت از اسقف

به اسقف ملحق شوید تا خدا نیز به شما ملحق شود. زندگی خود را بخاطر آنانی که مطیع اسقف، پیران و شماسان می باشند به خدا تقدیم می دارم. در همه چیز اعم از کارها، مبارزات، کوشش ها، سختی ها و خواب و بیداری همانند مباشران، معاونان و خدمتگذاران خدا با یکدیگر سهیم باشید. سعی کنید خود را مقبول فرمانده خود در جنگ سازید (دوم تیموتائوس ۲/۴) که از او موجب خود را دریافت می کنید. باشد که در میان شما شخصی فراری یافت نشود. تمهید خود را حفظ کنید زیرا سپر شما می باشد و ایمان شما کلاه خود و محبتتان همانند نیزه و صبر و تحمل، زره کامل شما می باشد (افسیسیان ۱۱/۶-۱۸، تسالونیکیان ۷/۵).

کارهای نیک خود را ذخیره سازید تا روزی بتوانید این اندوخته عظیم را دریافت نمایید. نسبت به یکدیگر در ملایمت صبور باشید، همچنانکه خداوند با شما اینچنین است. ای کاش همیشه از حضور شما برخوردار گردم!

نماینده ای به انطاکیه و رسولانی به کلیساها روانه سازید

اطلاع یافتم که کلیسای انطاکیه در سوریه به نیروی دعاهاى شما صلح و صفای خود را بازیافته است. این خبر اطمینان مرا در تسلیم به خدا تقویت کرد بدین شرط که با رنج هایم خدا را بدست آورم تا در روز رستاخیز یکی از شاگردان شما به حساب آیم.

ای پلی کارپ، تو که از تمام برکات آسمانی برخوردار می باشی رواست جمعی مقدس گردهم آوری تا در انتخاب شخصی شرکت نمایید که مورد علاقه همه و فعال بوده و همچنین شایسته آن باشد که او را فرستاده خدا بنامیم. او را مأمور کنید تا به سوریه رفته محبت خستگی ناپذیر شما را جهت جلال خدا برگزاز نماید.

یک مسیحی بر خود مقتدر نیست بلکه جهت خدمت به خدا آزاد است. این امر کار خداست و اگر شما آنرا انجام دهید کار شما هم خواهد بود. به فیض خدا ایمان دارم و می دانم که شما آماده اید کار نیکی را برای رضای خدا انجام دهید. با آگاهی از کوشش پر شور شما در راه حقیقت، به این چند کلمه نصیحت آمیز اکتفا می کنم.

به خاطر عزیمت فوری که از تروآس به مقصد نئاپولیس برایم پیش آمد بنابر اراده خداوند نتوانستم به همه کلیساها نامه بنویسم. پس تو که حکمت الهی در سر داری به کلیساهایی که بین انطاکیه و ازمیر واقعند نامه بنویس تا آنها هم، همین کار را بکنند،

یعنی آنانیکه می توانند قاصدانی بفرستند و در غیر این صورت نامه هایی را توسط کسانیکه تو میفرستی، ارسال نمایند.

این کار فنا ناپذیر، جلالی به دنبال دارد که تو به هر حال شایسته آن هستی.

درود و دعا

به یکایک مسیحیان از میر و بخصوص بیوه "اپی تروپوس" و خانواده او و خانواده فرزندان او درود می فرستم.

همچنین به آتال گرامی درود می فرستم. درود به کسیکه افتخار گرفتن این مأموریت را برای سوریه خواهد داشت، باشد که فیض با او و با پلی کارپ که او را مأمور میکند، همراه باشد.

از عیسیای مسیح خدای ما می خواهم که در همه چیز قدرت و جرأت را به شما عطا کند و امیدوارم که شما همیشه در او و در اتحاد با خدا و زیر نظر او بمانید.

به آلسه که برای من بسیار گرامی است درود می فرستم.

شما را به خداوند متعال می سپارم.

